

• روی زانو و بر روی زردستی که فکلهای شمشیر که غیبی نیست نباشد بهتر از روی میز است و پس از اینکه شستند روی میز هم میزانه بنویسد . بیشتر نخاوس من با مسلمانی بود و کلهای با سر قلم نقره ای نوشته ام ولی دم آزار است اردوی نکست میگویم و نونک طرف راست را نازک میسازم زیرا ریزی و نازکی ابتدای حرف و کلمات باید با آن نوشته شود مانند سرین و قلم فی هم جملت را باید اینی نیش با نازک و بیش ازین گفت شود (۱) و میدان قلم با نازک قلم و دم قلم باید کوم کومتری باشد . اعتراف دم قلم در دست ولی نه زیاد ، بلکه متوسط خوب است و مقدار کلهی آن به عادت دست نویسنده بستگی دارد ؟

• ندای تبارک و تعالی من توفیق داد ، بیت پنج قرآن و صحیفه سجده و کتب کجرا نوشتم و پنج ابلاض را در بعضی که قدرت دست و قلم بنام و بود و کاشته ام اکنون ۸۵ سال دارم چشم ضعیف شد است بدرگاه پروردگار عالم شاکرم که نعمت و لخواه و توفیق بسیار نصیب فرموده است و اینک آرزوی بزرگ آرزوش را ندارم .

• پرسم بنام احمد خوشنویس بر قطعات نظم را جمع کرده و اکنون بیافز است وقتی بازگشت قطعاتی باید کار بنامید هم زیرا چشم من ضعیف است و غیر تمام آنها را جدا کنم . مگر کسی که من از آن بسته نامه بگیرم میتوانی باین نشانی مراجعه و تهیه کنی ؛ تبریز - بازار کجریه - علاج حسن کربسچی مرکب افوقی - سفارش خوشنویس ؛

۲- صحبت آقای استادم حسن رزین خط . اگر چه بیشتر از این مرکز بجهت رسیدن به روزم ولی در حالت اخیر که در پیاده ۵۹ اتفاق افتاد این بیانات را در پنج سوالات انظار است :

• خط این دوره از دوره های پیشی بهتر و کا تر شده است - کس اولین تومبیلی را که از اردو پا بایران آورد و در دونه نشان داد - فرمود : آری این تومبیل با تومبیلی که حالا میبینیم فرق کرده است ؟ همچنان ظاهراً بخواهد و در ترقی کرده است و ترقی آن از مردم کله شروع شده است . کله واقعا به نرغ و دمشق میوزید و بسیار میزند است . مرحوم استاد ام (علاء الکتاب) در نامه استادی و دیگر کاری کله میفرمود که او چون سمان است و ما در مقابل او زمین هم حساب نمیسیم . آن مرحوم (کله) تندتر از دستشوی بوده یک روز شاگردانش دیدند که استاد خوشحال و خندان است از تعجب پرسیدند چه شد است که امروز خوشحال هستید ؟ گفت تا امروز نمیدانستم که قوس معکوس را چگونه باید نوشت و امروز بر من معلوم شد است که باید استادی آنرا

تائید با فشار پدین آیم و از آن پس بحالت آنا و قلم را تا انتهای قوس گردش دوم و بیخبرق و ایرد نامی مکتوس ح. ع. «در بخش شریفیه

- مرحوم عابد الکتاب فرمود: هر وقت از خطی که می نویسی بدست آمد آهنگت از آنرا خوشنویسی و اسنادی خواست .
- استاد در تعلیم سین کشیده فرمود ، که هر کس قلم در خط استعین بر اساس همین حرکت سین کشیده است یعنی جلداتی را که بخواند استعین می نویسد تمام کلمات و حروف مرکبی باین اوزار است بچپ دارند و این نکته ایست که بایه خطاط بدان تعافت دار است .
- زیر دست من در موقع نوشتن [خطریز و جوی کوتا] این جمله شنیدم [چرم گفت وزم] است که نذت چو لست بان کار کردم و هر وقت چو ک شد با قلم ترش روی آنرا می رسم نیز می شود .

پس از این بیانات از تعلقات خود استادم و چه بنص فرزندم در خط کلمه را بیان کردم و این قلم مکتوس از خط کلمه مرمت فرمود که در اینجا درج می شود (سفر ۲۵۱)

استاد در تاریخ خط در عداقت روز شنبه ۵۵۲/۲۵۵ پنجم فرورد : مرحوم ملک نظامین [پدر استادم] در او شریفی با من گفت پنجاه روز و نبال قلم خوب می کشتم تا اینکه یک عدد پیدا کردم و با آن قلم نظامی را نوشتم . قلم خوب بسیار کم بدست بیاید .

- شاگردان عابد الکتاب بهشت زعفر بیشتر بودند کجوری . حاجتی . فضل . مرات . بو ذی . کاوه . دمن و دهنر
- دیگر که سالها پیش فوت کردند و مرحوم عابد الکتاب نسبت بر من بنیاد و توجیه خاص داشت و بیشتر کارهای خطاطی که بوی مرا جبر می شد بر من حال می داشت .

- بعضی استادان معاصر نصف نمی شنند و تصور میکنند که هر باید منحصراً از شیوه آنا پیروی کنند مثل این است که توقع داشته ایم همه خواننده ها مانند یک خواننده بخوانند و حال آنکه هر خواننده و از ای حنجره و صدای مخصوص است که با ساختن بیانی و تارهای صوتی او رابطه مستقیم دارد . البته چنین توقعی بجا و غیر قابل است .

در تاریخ ۱۳/۱۲/۵۴ از طرف فرهنگ هنر در محل باشگاه بانک سپه مراسم تکریم استاد و وزیر خطاطی آید و شریفی بیشتر گردید که در آن آقای وزیر خطاطی مقصدی از شرح حال و کارهای خود را بیان داشته است . قسمتی از آن در اینجا درج می شود :

در سال ۱۲۷۲ خورشیدی در خانوادای متوسط در شهر تهران متولد شدم .... از نظر لیت که بگفتند نیز فرغم نژاد میرزاها هر کاتب هایون بزرگترین خط مشهور بودم و در اثر علاقه وافرانی که بنسب خط داشتیم از کوچکترین فرصت برای استغوی بان استفاده می کردم ....



اولین مشرد مسلمان ظهور مایهی رتومان و دشمنان کارخانه مردم نهاد انکساستدوینی. تجلیل نیرزه، ایشتمال در نیم دیر از پانزده سال نعت  
 در فرهنگ بنام طرنا سازگار بهای اداری که بار و تیرام موافق نبود مسلمانان همیور بر استغفام میاد و دریم که در وزارت معارف اوقاف و صنایع مستفرد  
 آن زمان مسابقتی برای خط کشیل وادنه کبرین تقریباً ده نفر در شمار لغیر نفر آدم و در زمان امامت الدوله نوشترن کتابهای درسی از اول است

تا هم توسط مغز اجزای دیگر که در گذشته که همان کما بعد مل و مرشقی مفید برای تو آموزان و در همین بویانت باشد ولی متعلقه است  
 کاین در مشرق که شده و کما بعد با حرف ساخته شده و منبع مستخرج میکند و این کاین که نفس نفس است زیرا از همان کاین که بی چشم بی مصوم  
 بخاطر همین که با این نموده جای رسم الخط شوی است علی الجبره و استخوان می شود و از نزدیک نایش و نمایانها هم کما بعد کما بعد کما بعد  
 خط اسیل ایرانی... می شود....

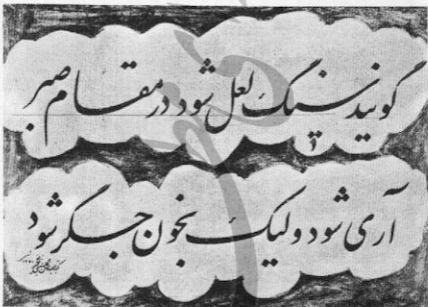
برای خطاطی خوشنویسی ذوق و استعداد لازم کار است ولی اشتیاق بکار در حد جد اول اهمیت قرار دارد. بسیاری از موهوبان در این  
 علم که سرشار از استعداد هستند ذوق خطاطی دارند ولی اشتیاق بکار ندارند کما بعد اشتیاق می کند که بنیال همان موهوب که زانیده آفت است  
 بنیال است و نظیر وند و کمان میکند با چند خط غلط خواهند شد ولی موهوب اشتیاق دنبال کردن ندارند همین دلیل بسیاری است و موهوب  
 برهنه شده باید تا این باشد تا خالی آثار هنری گردد. وقتی یک جوان مستعد برای فرا گرفتن خط که اهل بیه و همسال ترین در مهارت  
 داشته باشد آموختن ندارد باید با دوش داد که از فراگیری این هنر صرف نظر کند... همچنان نمونه بیه گویم که سالهاست تعلیم خط اشتغال  
 دارم تعداد آموختنی که با اشتیاق این هنر را دنبال کرده اند از شمار انگشتان دست تجاوز نمی کند. مراحین بسیاری داشته ام که سبب از فراگیری  
 این هنر صرف نظر کرده بنیال کما بعد دیگری رفتارند برای نگهداری اینان و با کمال حفظ آثار علمی و کسب فی بیه یوتولین و کما بعد کما بعد  
 درباره آثار چاپ بر روی خوشنویسی مستعد به هم که چاپ سنگی و کثیره آنظر که بیه موهوب واقعی خط را این سیکرد ولی نانی که در صنعت چاپ  
 از طریق آفریت استفاده می شود ما به بیت و اصالت خط کما بعد خط می شود....

۳- روزه ۱۸/۳/۵۴ بصاحب آقای استادی حسن میرخانی متوفی ششم بر اقامت همین پنج داد :

در ترکیب و کرسی خط گوینیم بیه زیرا در این موهوب مساوی و روی یک خط مستقیم قرار گیرد اما وقتی مثل کله المستحکم این ضمن  
 جرات بنویسیم این قاصد رعایت نمی شود بلکه بیه رعایت مدین اینها هم که سبب خود قرار گیرد و در این نون خواهد ناهماه این نیت  
 در قاصد و کما بعد ترکیب و کرسی خط و قرار دادن ذرات قاصد ناهمه و همراست است و اینجاست که در نظر خطاط  
 که هر دو در خوب نوشتن مساوی باشند بین خطاها تفاوت پیدا می شود و می بینیم این کی سلیقه اش از آن دیگر بهتر یا پائین تر است  
 و کما بعد می شود که بین ترکیب این است و آن استاد و موهوب تفاوت دیده می شود و این امر یکی کامل بسلیقه و ذوق و طبع شخصی دارد.  
 امثال ما در اشعار است و در زیگی رتبه ای از مراتب خط است و در دست و هنر اینهم و موهوب را کمال آن باشیم چه کمال زانها نیست.

بیرجا، دگر و میرزا غورضا و اما، الکتاب عاشق خط بوده و ولی بالاخره میرزا است. در شیهه میرزا رعایت قوت نصف نظرات بیشتر دیده می‌شود ولی مردم کلمه های بست این زود و بعضی با باران گفت نوشته است و کسی وی با کسی میرزا دعوات دارد. کلمه بسیار شق بیکر و طبع بلندش زود بزود غفلت را که نوشته بود و قبول نمیکرد است.

آقای کاوه و آقای عاتقی و آقای نذیر خط از شاگردان اما الکتاب است. آقای کاوه از روی ملاقه بیشتر کار کرده است و آقای عاتقی نیز خوب می‌نویسد و آقای نذیر خط در موارد مختلف متنوع از جمع و غنی خطاطی کرده است. در برابرهای از زمان شهره او در ماران خطاطی و مورد توجه مردم بوده است. «فقط زیر فرمانی از خط است و در پیش بر خانی است»



۴- روز یکشنبه ۱۶/۴/۵۲ مصاحبت و مجالست آقای استنادتین میرزانی دست و او از بیانات وی چنین استناد شده است:

• در شیهه و دگر و میرزا دگر باید گویم کلمه شیهه و عیدیه را باید که داشت و بعضی کلمات و ترکیبات را بهتر کرد و این اتفاق طبیعی است که باید منظره تجمل باید و همچنین بعد از کلمه اما، الکتاب پارهای ترکیبات و جزئیات با اصلاحات خود کار مقرر ساخته است البته این نکته را اهل فن حقیقت می‌شنود و شبیه آنست که سخن فقط در شیهه است از اصول و قواعد چه هر استادی و خطاطی تاریخی رعایت اصول و قواعد کند است و نخواهد بود. قطعی خط کلمه دیده شد که اما، الکتاب زیر آن نوشته بود «ما در هر کسی از انسانی»

که تواند چنین نویسد) یکوقت است که یک نفر خط نویس ندارد، فتفاوت میکند، یکوقت شخصی مانند عالم الکتاب، حساب این وجه است . فتفاوت عالم الکتاب حساب کرده و سنجیده و مورد قبول هم است .

• بنظر من اصل در خوشنویسی کتابت است زیرا بنزد کتابت بهتر خط هر چه شود ممکن است خوشنویسی قطعی عالی یا ممتاز بنویسد و بعضی باهای آنرا که هم گرفتار صاف کند و آنرا بسازد این حالت را سختی و دشمنی است، یا در پیش کردن صنوبری مشقی خوب وجود آورد این تعلقات روح هنر را نشان نمیدهد اما وقتی که یک کتاب از اول یا آخر عفت و کج و خجست و بد و بد منصف بنویسد مانند مناجات خواجه عبید الله انصاری یا شاهنا مرادی که سر عالم نوشت و یا کتاب فیض الذموع که کلمه زشت آذوقه معلوم میگردد که خطاط چه پاینده در این کار دارد و کتاب فیض الذموع شیوه کلمه از لحاظ ترکیبات و کرسی خط طهارت و بهترین شیوه می باشد (\*)

• مقام استادی مقامی است که اهل تجربه بدان یکدیگر میکنند و انگشت روی آن میگذرانند (مشاور باغبان است) که هر چه است او معتقد باشند و استادی هم شرایط بسیار دارد و باید آثاری داشته باشد از جمله شرایط و آثارش این است که شاگردانی نیز تربیت کند من شاگردان بسیار تربیت کرده ام که اکنون بیان مشتغال دارند و محتوی میگردانند و از این راه نماندند .

• این قدر را کمتر گوشه کرده ام که شاگردانی تسلیم گرفتن از من میسازند یا این است که خط را تیره و با تیره میسازند یا آنگونه بهتر از من می نویسد، آنگونه خطش فرود است و در هر خط من ترسیده باید متابعت و پیروی کند و این اصل در هر علوم و فنون نیز متر است و آنگونه خط مساوی یا بالاتر است از من پیروی میکند و گوشه میکند تا به درجات عالی تر برسد و بشیوه مظهر تر پیش برود .

• استاد و وزیر خط در مدت چهل سال مورد مراجه مردم بوده و هرگز خطاطی کرده است در حرم عالم الکتاب و نخستین مدتی که چاک و غیره را با تاقی کاوه و یازدهمین خط تحمل میکرد و در این خط با ایسکو شاگرد عالم الکتاب بوده شیوه ای مخصوص بخود دارد .  
صبح روز یکشنبه ۲۶ / ۲ / ۵۵ نیز دیار دوباره دست او در باره پیشرفتانی که در راه ترویج هنر خط با سیلوا -

(\*) از این بیان ممکن است توهم شود که استادی مضمربان باشد کسی که بی تجربه است و خوب خط نستعلیق بنویسد این را نیز میگویند کتابت و کتاب نویسی هر چه نیست مگر خطاطی را نیز از منضمربان بدانیم و سزاوار نیست که مراتب و موارد دیگر را چون تسبیح بخاری و قطعه نویسی و غیره را نادیده بگیریم  
بنظر خطانده اصل در خوشنویسی امر از قدرت و تسلط بر انحاء و اقسام نوشتن است خواه کتابت باشد یا کتیبه یا تعلقات یا قرآن و کتاب بخط نسخ یا کتیبه بخط ثلث، که در هر آنها با یک نوع آن واقعی است و از نویسد است و است . خط

انجمن خوشنویسان حاصل شد و چنین نهاد داشت :

میرزا علی انجمن خوشنویسان ایران که اکنون بنام هیأت ایران نقره - نه اسماستان برادر - در این کار بسیار سعی و کوشش نمود و بنا بر توجیه و عنایت و دستوری وزارت فرهنگ هنر در دو سالان وادان و ترویج و توسعه خوشنویسی بسیار با شور و علاقه کار میکرد و خالصتاً در گسترش و ازدیاد مراکز تعلیم و تدریس و شرکتها میکوشید. باین وضع امید میرود در این دوره بیش از هر دوره و عصری بهر نظر دونق پیدا کند یکی از مجموعه کارهای مفید و با ارزشش انجمن طرح طبقه بندی رشته خطاطی است که بنصیر شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور

و کار خود من در این راه بوده است  
 که از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۴ شمسی در نظر نگارنده  
 تربیت کردم که یکی آقای ضامن میرزایی است که  
 بدرجه استادی و بنحیه درجه ممتازی نایل شده است  
 و دیگر استادان چنین توفیقی نداشته اند.  
 یکی از مجموعه کارهای انجمن نشر کتاب که نیز قابل ذکر است  
 تشکیل طبعه عصری است که تمام استادان  
 در تمام جمع میشدند و هر کس مطلبی در پیشانیهای داشتند  
 میخواندند و مطرح میسازند.  
 نگارنده هم یکی را که آقای میرزایی با آن میخواندند و اغلب  
 کردم بسیار مرتب و خاص نوشتن محض و قشود  
 در این بنا عبادت خاص است تعلیم نادر زیرا هم استادان مقدم سفارش بر توطئه کرده اند . در هر نگاه استاد میرزایی آثار نگارنده  
 مختلف از خود می برداشد و آقایان انصاری و واشقانی و شهبان دمانی و سحود و غیره بحشم میخوانند که همانرا ندیده غالب بود  
 ۵ - در دوشنبه ۲۷/۶/۵۵ در منزل دستار بنام آقای محمد مصطفی کارکنند وزارت آموزش پرورش اتفاق بیفت  
 و صاحب آقا میرزایی استادی که نگارنده افاد و چنین فرمود :

«خطا در زمینه میرزایی»  
 در این بنا عبادت خاص است تعلیم نادر زیرا هم استادان مقدم سفارش بر توطئه کرده اند . در هر نگاه استاد میرزایی آثار نگارنده  
 مختلف از خود می برداشد و آقایان انصاری و واشقانی و شهبان دمانی و سحود و غیره بحشم میخوانند که همانرا ندیده غالب بود  
 ۵ - در دوشنبه ۲۷/۶/۵۵ در منزل دستار بنام آقای محمد مصطفی کارکنند وزارت آموزش پرورش اتفاق بیفت  
 و صاحب آقا میرزایی استادی که نگارنده افاد و چنین فرمود :

در بیت دو ساکنی از تعلیم است و مصرع دوم علامت کتاب بهره گرفته آن مرحوم را نسبت منظر لطف و توجه خاص بود چون  
 باوج قریب سید کز میفرود کاود دست من است . برای من خطای نوشته در آن اشاره با سادی من فرود است . از جو  
 خط و اوصاف است که شامل این اشعار و در زمان سرود است :

بخودی آنها ز دل کاستم زیزان خلقی خوبست خواستم چو این آرزو افتد می بل چو سال نجاشتم منصل  
 نصیبه را ندست خلق بود بهای خویشش صفوی بود سنج و سید ز بعد بنوار بزندان کشیده و مار و کار  
 بزم و طنزهای درستی بهین به گنبد بی کم و گامستی

[در اینحال ساد از خاندان اشعار عقب است . شکست پیشانی سر از زگره وید و این حالت نشانه محبت و ارادت شدید نسبت است و بزرگوار است]

همانکه استادان پیشین با آموختند و لطیف ما هم این است که بگیران بیان میزیم که گفته اند :

بگاشته و بخردیم و کا شتم و خردند چونیک بگری بزرگان کیلیم بنا بر این داعیه در آن دان در اکثر مدارس و دبیرستانهای ایران  
 مانند دبیرستان شرف . ایران آلمان . دارالفنون . کالج البرز و غیره مشغول فعالیت و تعلیم خط شتم  
 . خط میرکاد مشیر خراسان و برتری دارد اما کلمه و اما . الکتاب جوانی اصطلاحاتی در خط کرده اند .

نظرم در خط کتبی است که بایه خوانا و روشن و همگن نم باشد لازم است از چه کسی دست خوانی آزا  
 بهیچ ایم . خط آنست که با گردش قلم وجود آید ز آنچه نقاشی کنند و آزا بسازند . حالت بعضی نقاشی هنر خط نشود .

پادشاه و مالک خفیم صفوی مشق دست کرده است . زاینکه که اقدیم هنر ملک است وین که هر خسته که در ملک است  
 یا ملک آرب خورد از خنجرش یا خنجرش نهد در ملک من است

بنا بر مضمون من مثنوی عرفان قدس میر تقی میرا شایسته مقام انسانی هر متعلم است که از استادان و مصلحان خود در آید

کنه ادای احترام نماید ولی متاسفانه امروز این نکته کمتر رعایت میشود و گفته نقاشی « بانفس هر که در آینه چشم مصلحت آن بود که بجز ختم  
 سایهس فرحمانی نداشت صحبت کس بوی دفانی نداشت دورنگر کوسه نامردی بر دستان آدمی از آدمی »

اگر مردم میان استاد و غیر استاد و آثار هنری آید و غیر آن ذوق نگیرد اند و از یکدیگر تشخیص نمیند از این رو در خط ملی و بجز  
 هنر و مضمی همیشه که بهیچ چیز را شمه و چیزی نمیدانند و شاعری در این مورد و نسیک گفته است :



«امروز بجهای سینم و دور کی است در چشم جان غلیل فرد کی است بر گوش کسی که در این بازاند آواز فرد نغمه داد و کی است»  
 [در ضمن بیانات استاد سخن به خطوط کتبی بسیار مکتوبه شده که در دوره نادر شاه نوشته اند و استاد دکان  
 درود نادر شاه و جاری شدن کلمه «یا ناسه فوق یا یحییسم» را بر زبان او بیان داشته گفت:

نادر شاه شنیده بود که میگویی در نجف شرف شراب نهدل برسد که میشود برای استمان فرغانه و همیشه نامی شراب همراه سها سها  
 آتیا بوده شود و حقین نجف شرف سیدند در آن نغمه را باز کرده دیدند نهدل بر سر کرده است. میرزا مهدی خان منشی نادر شاه  
 این رباعی را بنا به سبب تمام سرود:

«در خاک نجف ندیم آسود و نجواب اندیش کن ز پریشش بوم حبا آتیا که شود بدل بر کردی ناب البته که شود سبدل شو آب  
 ما هم امید داریم که محبت و ولایت آنحضرت دیدن شفاعت و آرزوش ما بود»

آنگاه آقای رتضائی کتابی را که بنام آثار و حقوق بود باز کرده این اشعار از آن کتاب استخراج کرده: «تفتیته فی واقعه»

چون باید هر چه آید به شود یک جا دو کرده و در صد شود آتش از گرمی رفت هم از فزون خسته باطل شد منطلق دروغ  
 که کرد چشم عقل کجنگاه بشکند که در ذی ایشخ کاو سپسولانی را بعلت ندهی پشامی غالب شود بر کرسی  
 و آقای رتضائی افزوده که این اشعار بنا به سبب آن بوده است که در ثوق لاله با مایشینی که از خارج خرید بود باریان با هم گشته است  
 که گادی از ظهر ریده با دو سوزیکند و مایشینی با هم میزند»

۶ - شب رکنشنبه ۲۸، ۲۹، ۳۰ مهان آقای استاد ابراهیم بوندی شده بدین مختار بر همان فرماری خود افزوده:

در دوران تحصیل معلم نظامی در حرم محمد عابد طاهری بود بعد از نذر امیر الکتاب تصدیق میگرفتم امیر الکتاب سر ابراهیم بود شعر  
 و فاضل به سومات به موقوفات بسیار که بنده ششتری او اندکی از هنرهای بسیارها میرفت. امیر الکتاب بنا کرد در ششتر بیاشی بود  
 و از این جهت شیه و او با سایر شیوه و افتاد است. پس از مدتی در مجلسی که اجتماع امیر الکتاب، علامه الکتاب و من اشفاق افتاد در حرم  
 امیر الکتاب مرا به معلم از علامه الکتاب ترخیص فرمود. از آن پس تحت تعلیم علامه الکتاب قرار گرفتم و آن در حرم رسم الفتات و توجیه خاصی  
 در حق من میداد و میگفت که گاه گاه نیز بمنزل تشریف میآورد.

• درباره امیر عابد و کلامه یاد گفت کسی چه بد استهای میرزید است. در حرم امیر الکتاب و علامه الکتاب حق میگویند

نظری با بنیاد خوبی تعریف کند میفرمودند مثل برزشته است و خط میرانسته و آن مثل املائی خط دانسته بدان فریب مثل میکنند .  
 کلمه دارای ششده مضمون است ، یکی از اسامی و پیشین گفته است ؟ چهل سال مضمون بخدا شفقت سزالف خط نیا آسان کعبه ؟  
 کلمه چهل سال تسلیم را چهار سال تقلیل داده است یعنی خطی که پیش از آن در مدت چهل سال فرا میگذشت اکنون کسی که مستعد باشد در مدت  
 چهار سال یاد بگیرد و این بواسطه آنست که مروج کلمه تسلیم و کسی خط راه آسانتر از پیش گرفت و میدانند که کسی خط در یک کلمه  
 اینست که انتهای تمام حروف روی خطی مستقیم قرار گیرد بجز راه چینه و ایرود که یک نقطه از خط مستقیم پائین بیایند ، و بنا به  
 رسم هم که بجز حروف حساب نشود (\*)

آقای کاود از اهل اوستای و در شهر تعلیم یافته و او آن اسامی خوب بسیار داننده است و آقای ستا همین نیز نظیر از آن فنون  
 و صفات پسندیده و اسامی شایسته تشریف و از الفاظ پرکاری و ترویج این هنر کم نظیر میباشد و هر دو از اشاکران خوب علمای الخطا بنده آقای  
 حسین میرغانی اسامی شایسته و با صفای ضمیر و عاقلانه به ترویج و تسلیم و تربیت شاگردان میباشد و آقای ستیبه حسن را در شهر نیز پیشین است  
 پدرشان مرحوم آقا سید مرتضی شاگرد کلمه بود و ایشان هم بسبب و شیوه کلمه می نویسند +

اسامی بودی از روش مینی و بنام روشی خود از خوشندان معاصر بر نیکی یاد کرده فرمود تمام آنان در این راه زحمت کشید و الهامند  
 بر بجای سید دانند و همین هنر را بجای ترویج میکنند و آنرا بسیار از خود بجای گذاشته و میگذرانند . نظارت و عرض نمود : هر یک  
 از اسامی و اسامی شایسته و خاصی پیدا میکنند و بر آنرا ایکنه از روی اسامی فراموشند و بر جملی و جدالی نیست و غرض از کشیده و یادگیری را  
 مردود بشمارند و از اسامیان با بجا از آن شکست یادگیری شود . هر یک از آنان چون گلهای باغ هستند که عوض هنر با رنگهای گوناگون کشیده و

(\*) چنانکه در متن این کتاب در فصل دوام گفته شد سابقین هم که خط را بیان کرده و اندک شایده اند که تفاوت در خصوص کردن باشد . و حقن آقای نیز خط  
 به یاد کسی خط کلمه صحبت شد ، نامبر گفت : کلمه کسی خط را بخوبی کرد ، و ایکنه که از چهل سال مضمون بخدا شفقت است اما شایده بجز این امکان آنست که  
 تعلیم و فراگیری بر چند هم باشد چهل سال طول کشید و بی تمایل آنرا آموختند و او را . و چون در کتب خط بسکلی استناد و موثقت است ، و پیشتر  
 دارد نیز از این مدت قطعی بر این عقیده نایم ، در چهل سال ، چهار سال نخستین سالها آیرت نیست تعیینی .  
 بنظر نگارنده سه موثقت و پیشرفت ششده کلمه شایده و این باشد که استناد این را میشود ، به حکم تسلیم نیز همان پیشتر روی کسی خط کلمه  
 و با جرات نوشتن است ، و در لطافت و تیزی و تند و وقت و صفت در کارهای شایسته و کلمه که تفرین نمایند ، و این کار در استامی  
 تعلیم خوب و موثر است و میرانست پس از دوام فراگیری بطرافت آن بردانند +

میآیند، هر شطرنجی آفرینند، هر که یکی بگوید اگر آن نگل نبود بهتر بود بجان پش میآید و از او نمی پذیرد و دست را  
گل مسم می پذیرد .

۷ - روز شنبه ۲۸/۲/۵۵ (دانشگاه تهران) بنزال آبی استناد علی ابریشگر بهستانی رقم وی نسبت به روز  
پنجم در دعای هفتاد است که ابتدا در هفتاد از مرحوم عبد الجواد خطیب نسیم گرفت و در این شهر که شنیدیم شنیدیم شنیدیم شنیدیم  
آمده و هم اکنون بخفاهی هفتاد استناد دارد. آه آبی ابریشگر که گذشته از خط در نقاشی و طراحی نیز است دارد و بسیار با ذوق و دقیق نظر میآید  
وی با خوش بازو چهره بشاش ایمانی خود مرا پذیرفت و ضمن مجالست به ملاقاتم بخش داد :

• من در آغاز بسیار علاقه مند به خط بودم و در وقت آنکه از آن یاد میگیرم متوجه شدم حرف نون در برخی قرار میآید  
و زوایای آن حساب میگردم و در مثل دایره آنرا میسنجیدم و سایر حروف را بر همین تمایس و میزان بندی اندازه میگیرم و بر ششم بعد از آن  
میآید چیزی دیگر هم لازم دارد و آن گردش و حرکات رقم بود که از روی حساب بندی دست در میآید . این گردش و حرکات قوی را نیز خط  
کردم. باز متوجه شدم که گذشته از اینها خط حالت لازم دارد و آن تلفظ ترکیب حسن مطبوع است که بطور قوی در نظر خواننده را جلب  
میگردد .

سوال شد : آیا آنچه که افلاک در ام شب است اسبیه و قدیم داشته و اکنون این اسبیه جدید شده و نظریه آن در این باره چیست ؟ مخصوصاً  
وقتی در هفتاد تشریح میآوردید که شبیه بی زیبایی را که نگاه نمیکنید در مسجد عباس آباد نوشته اند می بینید چه احساسی شما دست میدهد ؟  
آیا هنوز آنرا می پسندید ؟

• آری هنوز می پسندم و دوست می دارم . من در آغاز شکر شیب و جدید بودم و میفهمم چرا استناد صحیح آن در شش ابریشگر  
زیرا آن شیب و زیبا تر است و اصولاً برای زیبا تر میچنان کرده اند و بر او اسبیه جدید آن حرف و زیبایی را گذاشتند . بعد از آن  
در تهران بودم حواصت استاد داده و استنادی با او دست داد. استاد داده با استقبال از خط غلطی قدیم که در هشتم شبیه خود نهاد  
نوشت حفظ کردم که بعضی حروف شکست داده و شبیه نیز و جایزه است و گذشته از این فکر کردم که باید در اینجا که شبیه جدید  
رایج است که کهنه را چار و شبیه خود تغییراتی دادم و آنرا بجایه سوال ساختم تا باز هم می بینم که همان شبیه قدیم از نظر زیبایی  
• من در ریزه کاریهای شبیه قدیم و جدید وقت کرده این تفاوتها را دریافته ام :

در شیوه جدید	در شیوه قدیم	در شیوه قدیم	در شیوه قدیم
ضمات در حال صدور و نزول	نازکی در صدور و نزول	کشتیا کوتاهتر	کشتیا بلند کامل
آوازه‌ها در کلمه و سنگین تر	سبکتر و نازکتر	پیش پای صدادار و در پیشتر	کشت او در
دندانها چاق تر و در هم بید (دایره)	مشغف تر و نازکتر	مفصل در گرفتاری، مانند دندانها چاق تر	نازکتر و ستایز
کلمات بر روی آواز گرفتار کمتر	سوا شدن کلمات بر روی هم بیشتر	غفلت و حملت کمتر	غفلت و حملت بیشتر
(تجدید و عوض نظر در جود کمتر)	(تجدید و عوض نظر بیشتر و بین تر)	(تواج کمتر)	(تواج بیشتر)
دایره داشت کمتر و جود پیدا می شود	دایره داشت او در و از او ارتر	سر کشتا از خود کف کعبه یا در قطع	پرست است
در سنتی زدن در نازکتر است و سبب	دگری آن در سنتی از نازکتر و سبب		
برای سبب است	پسین است که سبب از نازکتر است		
وال و زال و راه و کچکتر و هم چیده	منسل تر	نقطه تمام که کاشته می شود	نقطه تمام و بصورت تراج است
در آوازی و همیانی آن اول پیدا می شود	سجالت دوران بدون نازک	(دانه ای که برین میزان مانده حرف در	(دانه ای که برین میزان مانده حرف در
		شده و جدید تعیین می شود)	شده و قدیم تعیین می شود)
کثیره نویسی جدید یک باب بیشتر است	کثیره نویسی قدیم در تقاضای بیشتر است	و نقطه دانه کار در دایره حذف می شود	نقطه همانان است که در نازکتر و بعضی صاف
			نازکتر می کشند مانند زینتی یا حذف می شود
بهر سخن نظر و تفصیل دانه آدم کامل	در قدیم مانند جوان عمار و شیعی		
و جافا و دات و هم چیده تر شده می شود	در کجور و جانی و برودتی و تر شده		
	نازکتر شده و در حالت قرین است		

سرخ را اگر سینه و درین بستنی برایشم حرف و کلمات فرجه و چاق تر، و اگر سینه و درین بجزوف باشد تندتر از نازکتر می شود.

دکافی که بر خلاف سینه و معمول تم تراشند یا پست گیرند و بسته بهادت خاص خود آن است و تعیین ندارد.

بعضی ایراد و اعتراض دارند که مادت و نستعلیق خواندن اشکلی بیشتر می کند مثل کوه، خیسو، آخسه، و

« آخسه و آخسه »، جاسایان است که همین که کلمات مشابره در ضمن گفتار از قرین عالی و سیاق عبارت نمی فهمیم

و بی رنگ آنها را در کتب حکیم مثل کله شیر که وقتی می گویم شیر خوردم و یا شیر در پیش من هست و یا شیر آب را با گرم طلب من است

و مورد مادت نیز همین قرین و سیاق عبارت، درج ابهام میکند و خواننده یا کسانی چنان بی میسرد.

و باره خط انگسته عقیده ام این است که واضح و خوانای آن بهتر است از نازکتر یا خوان چمید است

آقای استادا کوه اعی در بنر خوشنویس بسیار محبت کشیده و بچین این شاد است و قدرت کامل بر تعلیم دارند. آنانی که ایشان را نام نده آقای استادا نیزین خط نیست. نیزین خط پر کار بود و نهایت هنری و نامنگار و امروارده.

لذکر ۱ - مده نامتادان در وقت صفهان که برای جلال ملین خط نوشته بود آقای بایسکه میباشه.

۲ - بجز از استادا نامبرده. در تهران از مصاحبست دیدار همی دیگر چون استادان (جهاد شریفی، محمد سلیمانی، شیخ احمد مصدومی غمی زنجانی، افضل الدین آذربای) برخوردار گشته از محضر کرم و آثار گوناگون آنان لذت برده ام.

نقشه ای از مصاحبتهما :

۱- از ارباب احترام و تعریف استادانی چون نیزین خط. کوه. بازاری، میرغانی چیزی غفلت و در شان معاد کتابت بصورت ذهن زیر میگرد که بسیار ارجمند و لایق بوده است. ۲- دیدگاه که بعضی استادا نام که کتابتشان روی سبز و برقی روی زانو در روی ایشان در بر دستهای محکم گرفت و برخی تم در محرف شده و برخی متوسط نزدیک به جرم مستوی و بعضی هم سجده اتمال بر سر کشنده حتی بعضی در این فاق و با آن می نویسنه از اینجا معلوم میشه که نحوه خطی علی بسکلی معیاد است. دارد و آن چیزی که اثر از زنده بوجود میآورد و ذوق استادا شخص است ولی این نکته را هم ناید به گرفت که راه صحیح و آسانتر همان است که مورد اتفاق اکثر استادان فن بوده است و ضمن قواعد بیان اشاره کرده ایم. ۳- اکثر استادا نام عناصر کار نقاشی خطی بی به فنی نایده را بشمار بهتر نمیا آورده و امتعا و میگردند که با سخته خطی فاصد بسیار دارد و ذوقی که صرف آن میباشند اثر بشتر دارند و زده تری بوجود میآوردند. ۴- شهر تهران بوجود استادان تعلیق نویس لیکن کانون بی نظیر این خط کرده است و تمام استادانی که نام بردهم بجز آقای استادا مصری که خط فاضل استادا از زمینید. استعین نویسی را نقطه خطی قرار داده اند و استاداوی ذره دستی را نقطه روی آن حساب کرده خط و دیگر را چندان اهمیت نمیدهند. نظر نگارنده این است که همین همشهرت ایشان بر این نسبت بخلط منادان کشور ایران که چنان خط استعین و نکته و سنج و شگفت نظر و رعایت کسان داشته باشد و برای استادانی که در هر چهار خط واقعا استاد می و تسلط معیاد دارند اقبال بیشتر حاصل شود تا هر چهار خط در رونق و رواج گیرد و دستمست برخی که بیشتر از اینج باشد با طبع اسرار با اجتهت بیشتر نخواهد کرد و چیزی از ارزش آن بیگانه.

۵- همهم استادانی که مصاحبستان دستا و نگارنده را مورد الطاف مرهم خود قرار داده با گرمی پذیرفته شرط نمودت صمدانی را با کجا آورده هم از حضور شایسته ایشان و هم آثار از زنده و شان مخلوط و صمد کرده ایم لذا سپاس و درود گرم خود را بر بنویسید به هر کیفیت تقدیم کرده

و چون ملاحظه فرمائید میگویم ؟ از آن بیرون نام عزیز میدارند که آتش کونیه همیشه مدول است ؟

### ه - توضیح درباره بر نامه نگارنده و درباره اطلس خط :

**الف** بر نامه فقائیت نگارنده در راه پیشرو بنظر خط درجهت ان بطور اجمال این بوده است : تعلیم و تربیت نهاد و درست نهادنا ، تعلیم در هنرستان بزبانی زیبا ، تعلیم در کلاس آزاد نخستینوسی و البته به انجمن خورشیدبان ایران ، تدریس خط و قواعد خوشنویسی و انشای راهنمای هفتان ، تدوین دو جلد کتاب اطلس خط +

برای اطلاع بنظر این بر نامه ای را که مرکز تحقیقات بر نامه نویسی در سنه ماه ۱۳۵۰ تحت عنوان ( طرح جدید آموزش پرورش - بر نامه تفصیلی انشای راهنمای ) برای درس خط هفتان ، هشتاد و پنج تیرمجموعه تعلیم چه در دستن آبی از یادیه نیست :  
( هدف تعلیم خط در ضمن به بنامی کلی بستر مندرج است بنظر توضیح بیشتر لازم توجه بگرفت استعداد های طبیعی و انجمن این مایه این مینه و راهنمای آنان بعنوان چف اساسی این بر نامه یاد آور می گردود :

- ۱- اهمیت دست نویسی ، خوش نویسی ، و خوانا نویسی
- ۲- آشنا کردن کارآموزان با انواع خط بخصوص خطوط نستعلیق
- ۳- شناساندن اجزای خوب قلم بخصوص قلمی و بکار بردن آن
- ۴- یاد دادن طرز زاشیدن قلم و معرفی قلمزاش و تهیه مناسب
- ۵- شناساندن وسایل نوشتن از جمله کاغذ و مرکب خوب

ع تقسیم بندی حروف الفبا ، از لحاظ شباهت آنها با هم و طرز قرار دادن آنها بر روی خطوط کاغذ .

- ۷- نوشتن نشان دادن اندازه هر حرف و حروف شده شکل با مقیاس صحیح که معمولاً با نقطه چین یاد داده میشود و رعایت فاصله
- ۸- سرشن از کلمات ساده ، کلمات متوسط ، کلمات و شمار

موقف و کلمات نسبت بهم بنظر جمله و ادون خط .  
و بکار بردن آنها در جمله های معلوم با نشود بصورت عبارت ، کلمات قصار ، مصلح ، بیت ، رباعی و امثال اینها .

- ۹- نوشتن با قلم ریزه در دست ( سردانگ ، چهار دانگ ، پیشانگ ) .

- ۱۰- نوشتن اعداد و ارقام با خط ریزه در دست و مناسب برای منظورهای آموزشی مانند لوحه ، نمودار و غیره .

- ۱۱- تزئین خط با پیش و نظارهای ساده و گوناگون بنظر بکار انداختن فوق و سفید و انجمن یون .

۱۲- ارائه نمونه‌های از بهترین نگارش‌های دست‌نویس و ۱۳- تشویق دانشجوین به دست‌کردن کتابچه‌ای که در صفحگان مطالبی آموزنده بصورت شعر یا نثر یا حکایت تصار به خط درشت بریزد و دست خود بویاسند.

۱۴- وقت بخلوط بریزد درشت‌ترین کلماتی که تباها می‌درسی و غیر درسی و نوشتن از روی آنها بنظورترین که گرفتن تعلیمات لازم هم از نظر تعلیم خط و سطر بندی و هم از لحاظ رعایت علامات و قواعد نویسنده کی . ۱۵- یاد دادن غرض گرفتن قلم ، طرز نوشتن ، کاغذ بر دست گرفتن و وضع صحیح سرگردن و سینه و پشت هنگام نوشتن و آشنا کردن دانشجوین بنوع راهنمایی دانش آموزان در نوشتن و رفع اشکالات آنان  
۱۶- متوجه ساختن دانشجوین باین نکته که پیشرفت هر دانش‌آموز باید با سابقه کار او سنجیده و مشود نه با سایر دانش‌آموزان برحسب دست‌نویس و سادگی آنان فرایم نشود .

تذکره : اگر در دو جلد اطلس خط پورچه همین جلد وقت شود تمام ایرادها رفع و بیشتر بنوعی و دقیق منظور شده است و هر جوان را که در راهنمایی میکند و آنان را از مراجع دیگر بگریزد و بانی بسیار میگرداند  
ب چون برخی رایج با انتخاب نام اطلس از کارنامه سوال کرده اند ما چاره در اینجا توضیحی می‌آوریم :

نام کتاب و اثر خود را اطلس خط ننهد و آرزای دو مجلد (دو جلد) در شب سائیم جلد اول تحقیق در خطوط اسلامی جلد دوم (کتاب حاضر) تعلیم خطوط و قواعد آن است . انتخاب نام اطلس برین وجهیست که این کلمه در همه کجا معانی مختلف دارد از میان آنها ناظر بمعانی ذیل بودیم :

۱- در مطلق معنی کتابی که در کتاب است از صفوهای نیش معنی و نوعاً هر کتاب نیش را اطلس نامند مانند اطلس مغربی و اطلس شرقی

۲- جامه‌ای بر شوی پرزدار . ۳- هر چیزی که بر آن رنگ باشد . ۴- ۱-۲-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵-

۴- اطلس نوشته‌ای که بر شوی پرزدار . ۵- ۱-۲-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵- ۲-۱-۱۵-

۵- کلک آسمان چاکور در شعر حافظ هم آمده است : این اطلس منش ز قوی زندگار چرخ بلند بر سینه گاه خویش دان ؟

ج بعضی از آشنایان که جلد اول اطلس را دیده خواستار خلاصه آن شده تا در دسترس اکثر مردم قرار گیرد و شاید این جلد را کم که بسینند همین توقع را بجای آورده است . اظلاماً گوشه‌ای میگویم که چون در جمع آوری تمام نکات لازم در این فن ، دوزخه داشتن مطالبی که بگویم نابودی و فراموشی آن نیست . بود است . اختصار و خلاصه و ارائه المعارف خطی مطلوب موافق ذوق نیست .

نکته دیگری که در اینجا لازم است این است که بعضی تصور کرده اند که نگارنده تنها نگارنده خوشنویسان فراموش کرده و در تمام  
 فقط خوشنویسان اصفهانی کرده به ششم و نوبت به اصل موضوع نگارنده که هدف تحقیق و تسلیم است زیرا بر اثر آن خوشنویسان  
 و آنچه از این باب آمده است بنظر تأیید و تکلیف موضوع بوده است و السلام .

بازمانده



## ۵- یادداشتها در مطالب متفرق

اللَّهُ - هزاران نقل و نقلی بر عرض آسمان باشد و در حرف چو دهن از بر آن جوید آمد. «در الحقیقتش مولی»

ان - هر حرف آبی از دون است و لیکن پیش او ایم بر او است بر او را میزند آنچه یوسف دون کرد که است که در حدیث الف کثافات نون میاید شربت که ناگردد الف چیزی که نون است «در چه نوب»

بیتها در حروف الف است به پدید آمدن است و همچنین خمیر و پدید آید (نقطه) است که نون میاید و اوله تهنه یکبار که در حروف الف نون شود که پیش هم طمش چون است علامت است که نون که در طمش میاید نون است و هر نون نشود سین انسان چون که نون در زبان اوله تا فرمانند عنبر آن در «انسان»

لنا (لعا) - در لغت الف الف است که ۶ روزی حضرت امیر از برای حرف و در بزرگ صحابه که نیک است بلا بود بر زمین و بسیار وی بر نشت یکی از ایشان بر سهیل طلایه گفت یا ابا الحسن آنت بیننا کالنون فی لنا یعنی تو میان ما نشت حرف نونی در میان موزان ، حضرت در جواب فرمود : لَوْلَا اَنْ كُنْ بَيْنَنَا لَكُنْنَا لَانِى اَمْرِن دَر مِیَان شَانِ بَر مِ شَانِ بَر مِ ... آتای مجید صافی اضافه کرده است که این کثافات را بعد است تصرف موزان ساخته و بی ضرورت در آورده است : آنت فی مینا کون لنا انا لکم ان کنتم ... و نیز آن در بزرگ صحابه چنانکه مشهور است عمرو ابو بکر بوده اند .

در کتاب زینت المجالس هم بهینوال است : ابو بکر و عمر بن عبدالمطلب و امیر المؤمنین علی علیه السلام ستمی الفقه بود روزی پرسید برای میفرمندی در وسط بود هر گشت یا ابا الحسن آنت فی مینا کون لنا حضرت در این فرمود : ان لم کن کثفت لانا .

الف - الف را بهیولای حروف و قطب آن خوانند چه بهیولای هر چیزی اصل و ماده آنست که بدون آن وجه و نیسیا به و هر چیزی از بهیولا و چیز دیگر مرکب شود تا وجه و سپید کند الف هم بسیار حروف بهین است را دارد و سایر حروف در الف باضافه چیز دیگر تشکیل یافته نیست بلوح و لم جز الف قامت یار چگونگی حرف و گریا و ندا است و ام «نقطه»

۱۱) کتاب لغت الف الف تألیف محمد بن محمد بن علی «صفتی» (در کتب سال ۹۳۹) فرزند مولانا حسین کاشفی باطله . چاپ رشاد سال ۱۳۴۵ بسوی اهتنام آقای محمد مجید صافی .



قُلْ لَنْ آخِذَ بِتِ الْإِسْ وَالْإِحْرَ عَلَى أَنْ بَأْتُوا بِبِشْرٍ هَذَا الْقُرْآنَ لَا يَأْتُونَ بِبِشْرٍ وَلَا يَأْتُونَ بِبِشْرٍ لَمْ يَنْصُرْ ظُهُورًا

« نقل ترجمه از کلام شیخ صدوق حرّات علی بن محمد بن بابویه »

بمعنی - نرسد حرفت و کفر کفرهای و در آنست که حرفی از بسوگمان نباشد و بسوگمانی با گفتن آن از شره قومی نرسد و گمانه که در دست

داران مانده و ضامی تعالی فرزند جنم فرزند و مقدر داشته است . « فقال علينا تسعة عشر » « اسننه از غزواتی »

و جامع الاخبار است ، من عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وآله : من أراد أن يُحْيِيَهُ اللهُ تعالى مِنَ الْآلِ بِأَيِّهِ السَّعْتِ

فَلْيَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَإِنَّهَا تَسَعَةٌ عَشْرَ نَفْسًا لِيَجْعَلَ اللهُ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا حَبَّةً مِنْ دُجَاهِ مِنْهُمْ

صاحب تفسیر صافی (غیر کاشانی حرّات) که بدهد الله در اول سوره بقره گوید ، حروف مفصله اسمی من خدا و رسول است

که در آن در اسنن و صلح که در تفسیر آن است . . . . . و از بسوگمان فریب میجی که در عقول قرآن است اینست که بکنند

مذکب حرّات آنها این ترکیب است یا بگوید « عَلِيٌّ حِرَاطٌ حَوْثٌ شَيْكَةٌ » ؛ حِرَاطٌ عَلِيٌّ حَوْثٌ شَيْكَةٌ « یعنی حیرت میسر است یا بگوید

أَحْمَدٌ - تفسیر اول کالف تفسیر است بر دو مرتبه است ، معنی حار کالف اقصیم داد ، طوق زوال و کرازم داد

« هر دو اویفت از آن سیم و اول و ایراد دولت و خط کمال » « غزواتی »

نام ثبت من که در زود تفسیر است ، در حرف نطق حافظ در محبت اول ششم چهار هجده شش است ، یعنی حیرت میسر است یا بگوید

یعنی شش حرف الفبا عادت چون قلب شود (ح) شود و آنرا نام شوق غزوات است که بر بی نوم قلب است و قلب م (د) میزند

و اسم احمد حاصل میآید « در بیان حافظ بن محمد بن شیبانی »

شعده - ثم چون گون گشت یکی قطره حیرت بر شش در پیش در عالم کبریت

علی - چون نام او گذرد بر صواع محکوت بقدر مرتبه هر یک « زجا چو بند شوم » یعنی هر یک از حروف زجا ، که از مجموع حروف

بقدر مرتبه خود ترقی کند یعنی از آحاد بشرات رود ، و از « دین ، ویم ، ام ، و الف ، یا ) گردد که از مجموع آنها نام علی

حاصل شود . « غزواتی »

دوازده ایام - أوائل أمتنا الذين أنعمت عليهم يُفَرِّجُ عَنْهُمْ عَنَّا الْمَشْدُ

ثَلَاثَةَ حَالَاتٍ وَأَرْبَعٍ أَهْلِيْنَ وَأَرْبَعٍ مِمَّا يَتَّوَعُّهُمْ مُؤَحَّدًا « در بیان معنی اشعار مسنون بر شهاب سوسه »

بین حروف اول اسمانی که امیر دانی از عشقش بر سید شرف آن نام - سحر (۱۸ حین، ۱۸ حین) و چهارمین (۱۸ حین) و چهارم (۱۸ حین) و یکیم است (جعفر) \*

از لغت و نقل که از انبی است مقصود خدا چهارده نورجی است و آن چهارده و جن یک موسی زهر امین جعفر و با طریقت و سحر  
پسر - سپید پوش است پسر سزگر برادر برافرا که سر پیر از وی سوره او با یکدیگر از ایزد پسر از او شش پنجاه « فردوسی »

### خطوط رمزنی : (بارشای)

نقطه اول و نقطه کم خطا : ۲۸ خط انبساطی بیلی ، چهارده حرف آن نقطه و چهارده حرف غیر نقطه است برای این خط حروف  
غیر نقطه را دوتا دوتا همین ترکیب کرده اند : که ، صلا ، او ، خط ، له ، در ، سع چون نامی یا عبارتی را  
با این خط خواهند بنویسند بنا بر عدد های که در شعر آمده است (کم صلا او خط در سع شد حرف نقطه شش بجای خود گذارد) حرف آن نام  
یا عبارت را بر میزان کم صلا تبدیل کنند و حرف نقطه را بحال خود گذارند ، و اگر تمام حرف غیر نقطه یا نقطه باشد قبح کنند مثلاً  
شعد را که حکمک ، علی را سلمی ، با ذرا بوقلم ، شیخ را خلیش و پیر را شیب نویسند و بر این ترتیب هر چه  
خواهند از نامه و ابیات بنویسند و بگویند - و نامی بر این مصلح و آفت نباشد و کفر نماند :

«دی کافع روایشان و کوازه باری ؟» ای که لک رویشون رویش شوق باری ؟ که ز جوش میشد :

«ای خوش رویشان امروز که بودی ؟» دی مردم و لریشان دین شفا بودی ؟ و گویا اول نام واضح این خط است

و بنا بر بسیاری که گفته شد اول و اوله میشد که گویا محمد یوسف (فرزینی) استغفار مخلص به «واله» شاعر و متوجه زمان صفوی است و

«از غزلی زانی درک خط آقا فیضی و مقاله آقا فیضی از کانی در تخته بنویسدم»  
نقطه شنبه یا سزوک :

طریقه اش این است که خطی قائم بکشدند و ازین ویسار آن خطی مانند شاد با آن رسم کنند آنچه بر طرف راست است شماره کلمات  
اجدی است و آنچه بر طرف چپ است شماره حرف که از آن است تا بر حرف مطلوب تمام شود مثلاً شعد را چنین نویسند :

شعد را چنین نویسند : پس شاد اول سرک نمایند و اجده بر خطی و شاد طرف چپ آن نمایند و حروف که ل. م. یا شاد که حاصل

نمایند و حرف سیم سیکه و بقیه بر زمین قیاس است . و نام علی چنین میشد : «استاد» از غزلی بنویسند

نامه نویسی : در نوشتن نامه رعایت این امر ضرور است : ۱- ابتدا بنام حق تعالی کند ۲- میان طرف و اطراف نامه